

تشویق و تنبیه از لحاظ تعلیم و تربیت

گردآورنده یداله جهانگرد

* در تربیت فرزند آدمی توبیخ و تشویق دو داروی مفید و مؤثر تربیتی است و لازم است از آنها در مواقع ضروری و به اندازه مناسب استفاده کرد.

* معلم باید نسبت به متعلمین نرم و ملایم بوده و در تربیت آنان از تواضع خود بهره گیرد.

* تنبیه بدنی باید جنبه تربیتی داشته باشد و بطوری صورت گیرد که موجب سستیزگی، گستاخی، خمودی و رنجوری کودک نگردد.

و روی همین اصل پیامبری که مامور هدایت و ارشاد اوست بشیر و نذیر است "۱۱۹ بقره و ۲۱۳ بقره و سبأ ۲۸"

لذا در تربیت فرزند آدمی توبیخ و تشویق دو داروی مفید و موثر تربیتی است و لازم است از آنها در مواقع ضروری و به اندازه مناسب استفاده کرد .

تنبیه و تشویق از دیدگاه اسلام :

در مقابل اعمال ناپسند و ناشایست قصاص ، تازیانه و وعده عقاب و آتش جهنم و در قبال کردار شایسته جانشینی خدا در روی زمین - عزت و بالاخره زندگی جاوید و همیشگی در بهشت و متنعم شدن از جمیع نعمتها داده شده است و آیات "ان یوم الفصل تا آخر سوره نبا" جایگاه و حال نیکان و بدکاران را توصیف کرده است .

واز آنجاکه پیامبر اکرم رحمه للعالمین است در باره کودکان بسیار سفارش می کند و می فرماید :

أَجْتَوِ الصَّبِيَّانَ وَأَرْحَمُوهُمُ وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمُ شَيْئًا فَفُؤَالَهُمْ . کودکان را دوست دارید و گرمی شمارید و اگر به آنها چیزی وعده کردید وفا کنید .

ملاحظه میشود که پیامبر اکرم پایه رفتار با کودکان را بر محبت استوار کرده و سفارش می کند که آنان را گرمی بداریم و با جایزه های که امکان وفایش هست آنان را تشویق کنیم . و در تشویق مبالغه نکنیم

تنبیه در لغت بمعنای آگاه کردن ، هشدار دادن و تشویق به معنای ایجاد عشق و علاقمند کردن است . و در عمل تنبیه از تذکر دادن تا کتک زدن و دشنام دادن و تشویق از لبخند و تشکر تا جایزه وصله دادن اطلاق میشود . و در آموزش و پرورش تنبیه و تشویق نقش به سزائی دارند .

از آنجاکه گل وجود آدمی از دو وجهه خیر و شر و از بعد ربانی و شیطانی آفریده شده از یک طرف گرایش به فرشته خوئی است و در این بعد چنان استعداد و پیشرفت دارد که از ملک هم پرانتر شده و بجائی برسد که بجز خدا نبیند زیرا در " احسن تقویم " آفریده شده و چنین انسانی موجب کرامت پروردگارش و لقد کرما " قرار گرفته است از طرف دیگر در اثر تربیت غلط و پیروی از خطوات شیطانی آنچنان به ورطه هولناک هوی و هوس دچار میشود که از بهائم پست تراست " اولئک کالانعام " آری :

آدمیزاده طرفه معجونی است

از فرشته سرشته و ز حیوان

جان گشاید سوی بالا بالها

در زده تن در زمین چنگالها
و بالاخره میتواند با راهی که خدایش
با و نموده هدایت شود و شکر نعمت کند
و پاکفر و زرد و در تنباهی افتد

" اناهدیناه "

مثلاً "نباید به طفل گفت اگر چنین کردی هرچه خواستی میدهم. بلکه باید جایزه مشخص و درخور عمل کودک باشد.

بالاخره می فرماید درتعلیم و تربیت مدارا کنید و سختگیری ننمائید. زیرا معلم صبور از معلم سختگیر بهتر است. درصورت امتناع از نماز خواندن در سن ۷ سالگی به بعد زدن را اجازه داده اند. شخصی در مورد نافرمانی خانواده به حضرتش شکایت می برد و چاره می خواهد حضرت دومرتبه می فرمایند ببخش و در دفعه سوم فرمود اگرخواستی تنبیه کنی مواظب باش که عقاب تو از جرم آنان بیشتر نباشد و از زدن به صورت خودداری کن. علی علیه السلام میفرماید:

عاقل بواسطه ادب پندگیرد حیوانات هستند که جز با کتک نادیب نمی شوند. اگر خادم تو از خدا نافرمانی کرد او را بزنی و اگر از تو نافرمانی کرد او را ببخش. بسا سخنی که شدیدتر از حمله است. *اِذَا مَدَحْتَ فَاخْتَصِرْ* چون کسی را ستودی مختصرگویی.

اَكْبَرُ الْحَقِّ الْاَغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالذَّمُّ
بزرگترین حماقت زیاده روی در تحسین و توبیخ است.

چه بسا افرادی که درمقابل تمجیدی که از ایشان میشود مغرور می گردند. *عن الصادق علیه السلام:*

قال قال لقمان: يا بَنِيَّ اِنَّ تَادَبْتَ صَغِيْرًا اَنْتَفَعْتَ بِهٖ كَبِيْرًا وَّ مَنْ عَنِ الْاَدَبِ اَهْتَمَّ بِهٖ امام صادق (ع) فرمود که لقمان به پسرش چنین گفت: ای فرزند اگر در کودکی ادب آموختی در بزرگی از آن بهره مند خواهی شد و کسی که قصد ادب آموزی دارد بر آن همت میگذارد.

هرکس تا زیانهای به دیگری بزند خدا نازیانهای از آتش بر او خواهد زد.

در مورد تادیب کودک و خدمتکار توصیه می کند: از پنج یا ۶ ضربه تجاوز نکنند آنهم محکم نباشد و موجب دبه نگردد. (اگر عضوی در اثر کتک سیاه شود ۶ دینار کیود) (سبز) ۳ دینار - و اگر سرخ شود ۱/۵ دینار دبه دارد.) اگر کودک مسلمان در ۹ سالگی از خواندن نماز سرپیچی کند میتوان او را زد.

موسی بن جعفر (ع) به پدرش می گوید: فرزندان را کتک نزن - اما با او دوری کن لیکن دوری و قهر تو زیاد طول نکشد.

ابوالحسن علی بن خلف قابسی از علمای قرن چهارم هجری در الرسالة المفصلة - الاحوال المتعلمین والمعلمین در امر تربیت کودک آن اندازه اصرار می ورزد که گاه لزوم تنبیه بدنی را با شرایط زیر تجویز مینماید:

۱- تنبیه بدنی صرفاً "بمنظور تنبیه کودک و جلوگیری از ارتکاب عمل زشت باشد و از

روی عطفوت و دلسوزی انجام شود معلم درعین عقاب کودک چون پدر چهرهٔ مهربانمائی به خود بگیرد و مواظب باشد که جنبه انتقام پیدانکند که نقض غرض است

۲- پای کودک مورد ضرب قرارگیرد و از زدن به سرو صورت بکلی اجتناب شود.

۳- وسیله ضرب از آلات کوبنده نباشد بهتر است از ترکه نازک باشد و بسلامتی طفل لطمه وارد نسازد.

۴- معلم مجاز نیست بیش از سه ضربه بزند مگر با اجازه پدر که در اینصورت حداکثر ضربات به ده نمیرسد.

۵- تنبیه بدنی باید جنبه تربیتی داشته باشد و بطوری صورت گیرد که موجب ستیزگی، گستاخی، خمودی ورنجوری کودک نگردد.

۶- معلم باید شخصا تنبیه بدنی کودک را به عهده بگیرد و بهیچوجه اجرای تنبیه را به کسی دیگر محول نکند.

شهادت ثانی از علمای قرن دهم هجری صاحب کتاب منیة المرید فی آداب المفید والمستفید:

پس از ذکر آیه "واخفض جناحک..." میگوید معلم باید نسبت به متعلمین نرم و ملائم بوده و در تربیت آنان از تواضع خود بهره گیرد. معلم بایستی بابشاشت و خوشروئی و مودت با شاگردان مواجه شده



و از اعلام محبت و اظهارشفقت و احسان به آنان دریغ نرزد و مانند یک طبیب باید از هرداروی موثر برای درمان آنان یاری گیرد .

اگر معلمی در شاگرد انحرافهایی از قبیل سوءخلق ، خلاف بیاعتنائی بدرس و ... مشاهده کرد نباید باصراحت اعمال ناستوده او را به رخش بکشد بلکه از

از تکرارخلاف بازدارد و توبیخش کند تا بدینوسیله هم او را از انحراف مانع گشته و هم دیگران از توبیخش پندگیرند و اگر توبیخ علنی نتوانست شاگرد متخلف را از اعمال ناستوده باز دارد چنین شاگردی را طرد کند و اعراض از وی نماید زیرا چنین عنصری بدیگر شاگردان ضرر خواهد رساند .



تعریض و کنایه در ارشاد او استفاده نماید و از طریق مهر و محبت او را از انحراف بازدارد و اگر نتیجه نداد درنهان و خفا او را نهی کند و در پی علت و رفع آن باشد . چنانچه موثر نیفتاد آشکارا او را

ژان ژاک روسو صاحب کتاب "امیل" در آموزش و پرورش : معتقد است که تشویق و تنبیه باید بصورت طبیعی انجام گیرد بدین معنی که کودک را آزاد گذاشت تا شخصا نتیجه اعمال خوب

و بد را ببیند و مزه عقوبت و عکسالعمل اعمال غلطش را بچشد .

هربرت اسپنسر: نظریه‌ای مشابه نظریه روسو ابراز داشته و می گوید برای تعلیم اخلاق توسل به وسائل تلقینی کاری عبث و بیهوده است بلکه وقتیکه طفل در اثر بی توجهی به زمین می خورد و پایش مجروح میشود و یا در اثر بی مبالاتی به میز برخورد می کند و سرش درد می گیرد این جراحت و درد انعکاس قهری عمل اوست و این تنبیه و مجازات قهری و طبیعی او موجب میگردد که بعد در راه رفتن و سایر اعمال دقت و مواظبت نماید .
راسل: نویسنده کتاب "در تربیت" می گوید:

به عقیده من تنبیه بدنی به هیچوجه صحیح نیست .
اثرات تنبیه و تشویق

بطورکلی در مورد تنبیه اعم از بدنی و یا مضاعف (بدنی و غیر بدنی تواما " که از خطرناکترین نوع تنبیهاست بوده و متاسفانه رواج هم دارد) عقایدی بشرح زیر از طرف مربیان و معلمان آزموده، روانشناسان و متخصصان تعلیم و تربیت ابراز شده است .

۱- تنبیه و مجازات اصلاح کننده نیست ولی در بعضی موارد به عنوان عامل باز دارنده ای از تکرار خطا و جرم قابل قبول است . بدین معنی شخصی که تنبیه شده

موقتا " و یا برای همیشه ممکن است دست از کاری که برای آن تنبیه شده بردارد .

۲- درکارها و فعالیتهای بدنی ترس از تنبیه ممکن است باعث سرعت شود ولی درکارهای فکری ترس از تنبیه موجب اشتباه و کندی میشود و درمورد یادگیریها ترس از تنبیه عنوان یک عامل مخل محسوب شده است و بنابراین تنبیه در امرتعلیم و یادگیری فاقدارزش است .

۳- تنبیه کودک را بدون چون و چرا تسلیم می کند و به این وسیله منطق حاکم برچنگل به او آموخته میشود .

۴- کودک کتک خورده ممکن است کینه پدر و مادر، معلم و یا هرکسی که او را تنبیه کرده در دل گیرد .

۵- در اثر تنبیه ممکن است کودک ترسو بزدل بار آمده و یا احساس حقارت، عهده اطمینان خاطر، دشمنی و کینه تیزی کند و یا به تنبیه شدن عادت کند و کار بجائی برسد که از تنبیه لذت ببرد "مازوشیسم" و یا در اثر تنبیه شدن به شخصی پرخاشگر و مردم آزار " سادیسم" و یا غیگر تبدیل گردد . همچنین برای فرار از تنبیه ممکن است به دروغ و تزویر و حيله متوسل شده و بالاخره شخصی دروغگو، حيله گر و مزور بار آید .



بسمه تعالی

درس اول

ما با نین داد

در زمین است

با آخرین داد



ایجاد شخصیت

رعایت نکات زیرمی تواند کودکان را
اشخاصی عاقل و متعارف بسازد.
تردیدی نیست که درحین تعلیم و تربیت

راهنمای معلم

کار کردن در آن لذت می برد . کاری را به او محول کنید که به انجام دادنش قادر است . سعی کنید که زندگی در کلاس برای شاگردان خوشایند و امید بخش باشد . از آزردن سرزنش کردن و شرمسار کردن آنها خودداری کنید .

روشهای تربیتی خود را طوری اتخاذ کنید که کودک اعتماد به نفس و معانت طبع پیدا کند و چنین احساس کند که بدون یاری بزرگترهای می تواند از خویشتن مواظبت کند و در مقابل سایر کودکان مدافع حقوق خود باشد .

هرگز انتظار نداشته باشید که کودک مثل شمارفتار کند و به زبان شما سخن بگوید . موقمی می توانید درباره اعمال کودک قضاوت عادلانه و صحیح داشته باشید که خود را درون دنیای او احساس کنید . باید دانست که معلومات لغوی او به تدریج تکمیل می شود و در صورت به کار بردن عبارات نادرست آنها را اصلاح کنید و او را عادت دهید و تشویق کنید تا سخن گفتنش درست و بلیغ باشد .

درباره رفتار و کردار کودک با دیگران وارد بحث و مذاکره نشوید . هرگاه تقصیری را از جانب او مشاهده کردید فقط تذکراتی بدهید و بگذرید و دیگر مطلب را در جمع دوستانش عنوان صحبت و انتقاد قرار ندهید . این کار نه تنها برای او ، بلکه برای شما نیز مناسب و برازنده و مفید

می توانید با استفاده از تجارب خود مطالب زیادی را که ناگفته مانده است کشف کنید و به این سطور بیفزایید .

همیشه با کودکان به نحوی رفتار کنید که با اشخاص صاحب عقیده و نظر رفتار می کنید . انجام دادن بعضی از امور را به مسئولیت خود آنان واگذارید و فرصتهایی را در اختیارشان قرار دهید تا لیاقت خود را نشان دهند و به پذیرفتن مسئولیت تشویق شوند . به جای آنها کاری را انجام ندهید مگر در موارد ضروری .

هرگز کودکی را مورد نوازش قرار ندهید . ولی پیوسته او را دوست بدارید . ابـراز ناشکیبایی در برابر کودک موجب تبااهی شخصیت و منانیت او می شود . او باید از علاقه و محبت شما نسبت به خود مطلع باشد ولی نباید فرصتی برای سوء استفاده از آن به دست آورد . به یادش اعمال نیک که انجام می دهد تشویقش کنید و در مقابل رفتار ناپسند تنبیه .

در فعالیت های دسته جمعی کلاس فرد فرد کودکان را شرکت دهید . زیرا از این راه است که می توان حس همکاری اجتماعی و اشتراک مساعی را در او بیدار کرد .

بیشتر از آنکه انتقاد کنید او را مورد تشویق قرار دهید و بسیار دقت کنید که انتقادتان بجا و با نظر مثبت باشد . انتقاد بيمورد باعث یاس و سستی او می شود . مطمئن باشید که کودک از حضور در کلاس و



نیست .

هرگز به اتکاء احساسات خود در باره رفتار ناپسند کودک قضاوت و اظهار نظر نکنید و تنها از نقطه نظر شخصی به بررسی موضوع نپردازید. قبل از دقت در خود عمل در پی پیدا کردن عامل وانگیزه آن باشید. پیش از محکوم کردن کودک به او فرصت دهید تا در باره علت اقدامش توضیح بدهد. در مواقعی که عصبانی و برآشفته هستید اقدام به عملی نکنید. پیش از نگرستن به جوانب امر منتظر شوید تا خشمتان فرو نشیند.

به کودک بفهمانید که برقراری مناسبات پاک و برادرانه مابین افراد یک کلاس امری طبیعی و ضروری است و انتظار شما این است که رفتار آنان با یکدیگر کاملاً "دوستانه و صمیمانه باشد و در این راه آنان را راهنمایی و کمک کنید .

همان توجه و احترام و ادبی را که از جانب کودک انتظار دارید . خودتان نسبت به او مبذول دارید . منتظر نباشید که ادای سلام قبلاً "از طرف او انجام گیرد . تقدم در سلام وظیفه کسی است که ابتداء دیگری را می بیند . بعضی از معلمین فکرمی کنند که سلام کردن به شاگردان و یا به اشخاص کوچکتر از خود باعث کسر شأن می شود . البته این فکر درست نیست . بزرگی واقعی در طرز رفتار بزرگان نسبت به زیردستان و کوچکتران نمایان می شود .

وقتی که کودک سرگرم کار و فعالیت خویش است از ایجاد مزاحمت خودداری کنید . اجازه دهید تا خود او احساس بی میلی و خستگی کند و کارش را ترک گوید . دخالت و مزاحمت در فعالیت وی مانع آن می شود که به تمرکز فکرات کند .

کودک را در برابر عقایدش آزاد بگذارید و مانع اقدامات او نشوید ، تا بیباید و دلیر بار آید . به او فرصت دهید تا خود از امکانات فعالیت هایش در محیطی که زندگی می کند آگاه شود . به او اجازه دهید تا از نزدیک اشیاء را مشاهده و بررسی کند و سئوال هایش را در این مورد با شکیبائی پاسخ گوید . او را وادار به صحبت کنید .

تعلیم کودک موقعی بهتر و کاملتر انجام می‌گیرد که او در حال کار و فعالیت باشد .
 ممکن است روزی در کلاسی به جای معلمی دیگر گماشته شوید و او از آن گونه معلمان بوده است که عقیده دارند مطلقاً " در کلاس باید خود مختار بود و اراده خود را تحمیل کرد . بدیهی است که شما در غیبت او وارد کلاس می‌شوید و از چگونگی رفتار و روش تدریسش مستقیماً آگاهی ندارید ، ولی با مشاهده وضع شاگردان تا حدودی می‌توانید نظری درباره نحوه کار آن معلم به دست آورید . اگر مدیریت او توأم با خشونت و تند خوئی بوده است شاگردان کلاس را مشاهده می‌کنید که تنها در حضور شما به انجام تکالیف و وظایف خویش می‌کوشند و به محض کم اعتنائی وعدم توجه شما دست از کار می‌کشند و به جنجال و شیطنت می‌پردازند و از غفلت کوتاه شما استفاده می‌کنند و به آزار یکدیگر

می‌پردازند . اگر شما نیز سختگیر باشید و با آنان بادرشتخویی رفتار کنید در این حال واکنشهایی را مشاهده خواهید کرد . اگر معلم سابق از آنهایی بوده است که به انضباط کلاس توجه و اهمیت زیاد قائل نیستند ، مسلم است که سطح اخلاق شاگردان پایین است و دانش آموزان خود را مقید به مراعات نظم کلاس نمی‌بینند سستی و رکود بر روحیه‌شان مستولی است صحبت کردن و سر و صدا به راه انداختن برایشان کاری عادی خواهد بود .

اگر خواهان برقراری نظم و ترتیب و موفقیت در تعلیم و تربیت هستید باید از امر کردن و دستور دادن خودداری ورزید و به کودکان بفهمانید که با وجود اینکه با ملایمت و خوشخویی با آنان رفتار می‌کنید ممکن است به همان ترتیب هم تندخو و سختگیر باشید .

قدر دانی از مجاهدت تو ای مسلح ملی از
 وظایف اسلامی ، انسانی است . « امام خمینی

دین و تربیت

رجبعلی مظلومی



مؤسسه کانون علوم انسانی مطالعات اسلامی
پستال کانون علوم انسانی

آدمی، همیشه در مقام آن بوده‌است که:
۱- معمای حیات و مقصود از زندگی را بداند.

۲- تعبیری برای حوادث عالم قائل شود.

۳- از مقدرات بشری، سر درآورد.

۴- و نیز برای جهان و موجوداتی که مشاهده میکند، مسیبه پیدا کند؛ فهم امور گیتی و اسرار ازلی، فلاسفه و بزرگان اندیشه و نویسندگان را نیز به تحقیق واداشتماست؛ (اشعاری از خیام و مولوی و حافظ و آناری از تولستوی و دیگران مؤید قضیاست.)

جوابگوی بزرگ این سئوالات، در حدی وسیع و برای همه، "دین" بوده‌است؛ که پیوسته طریقی برای تعبیر گیتی و حوادث آن، بدست میدهد. وزندگی را برای آدمی، با معنا میسازد. و از این حیث پایگاهی بلند و مهم، در حیات بشری دارا است.

کسانی که به اتکای علوم جدید، علیه مذهب قیام کرده‌اند، توجه ندارند که همان خرافه‌های مذهبی (بنا بنظر آنان) در واقع، حرکات ابتدائی مردم، برای شناختهای علمی بوده‌اند و لااقل "فهمی آغازی" هستند که پس از جستجوی حقایق عالم، توانسته‌اند آنگونه، برای ذهنها از دریافت خویش، تعبیری کنند، و همان مایه‌های اولیه فهم‌های ابتدائی، بعدها

علمیت بیشتر یافته، و تحقیقات دیگر را باعث شده‌اند. و این درست، نیست که باز ندانند که: "مشوق همان بررسیها و دریافتهای مقدماتی نیز، مذهب بوده‌است" و بنابراین در حد خود محترم مییاشد. و باید آن را قدر شناخت.

(به کتاب: نقش پیامبران در تمدن انسان و نظیر آن مراجعه شود).

مثلاً - علم شیمی، حاصل "علم‌کیمیا" است و علم ریاضی حاصل "جادوگری" است. و علم نجوم، حاصل "تنجیم" است و طب حاصل "تجارب کهنه" مییاشد. بهرحال آنچه را که آدمی در منتهای فهم و تعبیر و تفسیر خود از جهان هستی، و وجود مؤثر در تحولات ذاتی آن، مییابد "خداوند" می‌نامد. پس این خداجوئی نیز، ذاتی انسانی است و حاصل پرسشهای نفسانی وی مییاشد. و لذا نمیتوان تصور کرد که هیچ آدمی، بی مذهب تواند زیست. یا پس از تفکر در هستی، به مذهب، رجوع ننموده‌باشد. بنابراین "توجه به‌خدا"

یعنی: "توجه به هستی و مبدا هستی و "توجه به مذهب" یعنی "غایت داشتن هستی" و آمادگی برای "زیستن، با هستی درست و معقول و با حاصل" و اینهمه بی‌شبهه، شایسته‌است و درست.

تربیت بدون دین

هر تربیتی که جنبه دینی، و یا

مدت لازم ندارد.

توضیح آنکه ، مسائل " تعصبی مردم " نیز از قبیل " اخلاقیات " است نه از نوع " اعتقادات " زیرا " امور تعصبی " چندان ریشه‌دار ، نیستند .

□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□
□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□	□□
دین و جامعه															

در مورد نقش دین ، در حیات فردی و اجتماعی انسان ، باید گفت که : دین تنها برای اصلاح نظم اجتماعی ، نیست ، بلکه دارای دو بعد است :

یک - بعد اصلاح نظم اجتماع

دو - تفسیر زندگی و هدف آن

دین ، مهمترین اثرش در وجود آدمی
اولا " توحید نفسانی " است ، بدین معنی که همه قوای آدمی ، و عواطف و توجهات او را متفق ، هم جهت هماهنگ و مددیاری یکدیگر میسازد .

ثانیا - " تعالی نفسانی " و " تعالی غایت نظر " میدهد ؛ بدین معنی که چون درمنتها الیه همه جهات نفسانی " خدا " قرار میگیرد ، تفسیری دقیق از " منتهای خیر و منتهای علم ، وجود محض ، و حکمت کامل و . . . بالاخره همه کمال صفات " تواند بود (علاوه بر مسلم بودن اصل وجود خدا) و حاصل " توحید نفسانی " نیرومند شدن روح

مایه‌ای دینی ندارد ، ناقص و صوری و بی دوام است و آنچه میتواند نقش ظاهری رفتار و حالات را قوام و اساس بخشد ، در درجه ابتدائی " خلق و سیرت " است و در درجه منتهائی " اعتقاد و ایمان " میباشد که در بخش ناخود آگاه ضمیر میتواند نهادی ، ایجاد کند . و از عمق وجود آنرا جهت دهد . و اگر در خارج ، اموری باعث تعطیل ، یا انحراف تربیت می‌خواهد بشود آن رگه‌های اصولی و اساسی ، نگذارند که آن امر نهادی ، نابود ، یا بیراه گردد . بلکه مقاومت کند ناصحنه‌های خارجی عوض شوند . و باز تربیت ، راه اصلی خود گیرد . و اثر خویش را ظاهر نماید .

تربیت ، وقتی ، اساس دینی داشته باشد (یعنی با اعتقاد و اخلاق مذهبی ، هم‌پیشه باشد) همانند " فطرت " مایه‌های بنیادی در وجود مینهد . و در سطوح کم عمق تر ، باز نقش " طبیعت " و " ملکه ذهنی " و نظیر اینها دارد ؛ ولی چون تربیت ، بدون دین ، باشد ، به " عادت " شبیه است که قابل ترک یا تعویض هست . و ضعف و زوال آن هم زیاد مشکل نیست .

به همین جهت گوئیم : برای تعطیل آنچه " رسم و عادت " شده ، آنقدر تلاش و صرف زمان و نیرو لازم نیست که همان امر " خلق و سیرت مردم " شده باشد ؛ و باز رفع آنچه " خلق مردم " شده ، هرگز به اندازه امری که " اعتقاد مردم " گردیده است زحمت و

است، و حسن کار درون (یعنی : نیکو اندیشیدن - نیکو عاطفه داشتن ، - نیکوئی سیرت و اخلاق ، قدرت اداره و نیت و نظیر اینها) و از همه بالاتر "اعتدال درون و نظام شخصیت داشتن" و حاصل " تعالی غایت نفسانی " مثبت و درست و صالح شدن فرمانهای درونی ، و با نتیجه شدن سیر و سلوک ، و کمال یافتن مدام ، و وسعت یافتن سینه و نظر ، و در عین حال عمیق و دقیق شدن توجه و جود به همه قضایای زندگی و گزارش عالم ، و حقایق امور .

و معلوم است ، که " تربیت " در این نظام چه موضوعی مهم و اساسی تواند داشت ؟ و حاصل تربیتی با این زمینه ها چقدر " انسانی و متعالی " خواهد بود ؟ ! و ملاحظه شد که در این " مجموعه حیات اجتماعی " نظام جامع ایمان و عمل صالح " ، " خدا " است ، و انسان با آنهمه اسارتها که از درون و بیرون دارد ، به این نظام جامع می پیوندد . تا بتواند آزادی یابد این آزادی او آزادی از قید همه محکومیت های صفات ارثی ، اثرات محیطی ، جبر اجتماعی عادات ، آنسها ، عقده های معلول تمام کمبودها و کشاکشهای درونی و اضطرابات و ترسها و طمعها و مانند اینهاست . و بدیهی است که آسودگی از این بندها چقدر تربیتی را که پس از آن ، برای آدمی طرح میشود ، آسان و پراثر تواند کرد ؟ !

پیامبر ، عامل این پیوند آدمی با آن نظام

جامع است . و امام ، پاسدار بقای این پیوند و سلامت این پیوند و مددیار آدمی در طول تاریخ و حوادث برای " حسن انجام این پیوند ، و صحت و قوت آن " می باشد و بسادگی توان فهمید که تربیتی دینی چگونه آدمی ساز است ؟ آدمی که هم با خود صادق است و مفید و صالح ، و هم برای غیر و بلکه به اصطلاح قرآن : برای " نسل و حرث " و بالاخره برای همه جهان وجود و دنیای فکر و عاطفه ، همه جا صالح و شایسته است . الفت میگیرد ؛ و خود نیز قابل الفت است ؛ محبت میکند ؛ و محبوب هم واقع میشود ؛ سازنده است و خود نیز ساخته میشود ؛ کمال غیر را موجب میشود و خود هم کمال می یابد . در عین فرد بودن برای جمع است . و در عین جمع بودن و با دیگران زیستن ، مراقب خود و متوجه خویش است . بی تردید ، اجتماعی که از این گونه " افراد تربیت شده " مکتب دین " بوجود آید ، اجتماعی سالم و منظم ، و قابل و روبه رشد خواهد بود . و حق خواهی و خیرطلبی ، و همسازی در همه جهات آن بچشم خواهد خورد . و خیلی زود و آسان " مدینه فاضله " را اساس خواهد نهاد و " فردائی روشن و پرثمر " را جهت " آیندگان " زمینه خواهد گذارد .





همکاری با
والدین

خیلی از مشکلات بچه‌ها رامیتوان باسانی باکم والدین حل کرد. زیورایشه و اساس هر عارضه روانی از خانه شروع شده و رفتار والدین ومحیط خانه بساغشآن گردیده. پس رفع آن هم بدون حضور و دخالت والدین مقدور نیست. بنابراین برای تشخیص وقطعیت مشکل لازم است معلم نظر پدر و مادر رابفهمد و نیـــــــز بداند که درخانه چگونه با او رفتار میکنند. برای حل مشکل کودکان و رفع عارضه آنان باید تصمیماتی که گرفته میشود درخانه و مدرسه یک نواخت انجام پذیرد.

اثر احساسات و نقش افکار و عقاید:

برای برقراری رابطه صحیح بین معلم و والدین نیز شرایطی وجود دارد که چطور باید طرفین رفتار کنند تا نظر همدیگر را درک کنند.

اغلب دیده میشود که والدین تفاهم زیادی با معلم ومشکلات آنان دارنند و واقعا" برای بهبود وضع بچه‌ها همکاری میکنند و معلم راتنها نمی گذارند. ولی گرفتاری آنوقت است که بین والدین و معلمین تفاهم وجود نداشته و پدر ومادرها خود را وکل مدافع کودک در مقابل معلم بدانند. اینک ما چند مورد از این گونه عدم همکاری هارا بیان میکنیم:

معلم والدین راقبول ندارد؛ در بعضی

مواقع معلمین پدر ومادرها را دعوت میکنند ولی فقط برای آنکه کاری رانجام داده باشند و حال آنکه از آنها خیال استفاده نداشته، بلکه میخواهند بآنها بگویند چه باید بکنند یامقصر آنها هستند. این نوع رابطه بدترین رابطه‌ای است که نبودنش ارجح است. در این مواقع معلم دوهدف دارد: یکی اینکه از خود و مشکلاتش حرف بزند و دیگر آنکه گناه رابگردن دیگری بیندازد و خود را راحت کند. بعضی از معلمین هم هستند که مطلقا" ملاقات و همکاری با والدین رادوست نداشته که البته این کار غیر قابل قبول است.

در بعضی موارد معلم قدرت مواجه شدن با والدین را نداشته وهمینکه والدین افراد پرمدعی یا خشن باشند خود را کم میکنند در آن جلسه ابراز وجود نمیکند و در حقیقت بنظر میآید که تسلیم شده اند. در بعضی موارد هم که والدین از نژاد و یا ملت و مذهب دیگری بوده و یا وضع مالی و خانوادگی آنها خوب نیست رفتار معلمین با آنها توهین آمیز بوده و مثل رفتار با شخصی است که هیچ نمیداند و نمی فهمد. در این موارد اگر معلمین صحیح عمل نکنند ملاقات و جلسه آنها هیچ نتیجه‌ای نخواهد داشت.

گاهی شخصیت والدین به نحوی در اجتماع اهمیت دارد که معلم سعی میکند نظر آنها را به صورت جلب کند و هرگاه آنها

مهل داشته باشند از بچه‌شان تعریف شود. معلم نیز آنطور رفتار میکند که خوش آیند آنها باشد، در اینگونه موارد هم نیز جلسه والدین و معلمین نتیجه‌ای در بر ندارد.

ولی همیشه این طور نیست خیلی مواقع است که واقعا" والدین برای بهبود وضع کودک خود به معلمین کمک‌های مؤثری می‌کنند. بهترین نوع آنست که والدین واقعا" بخواهند به معلمین کمک‌کنند و سعی داشته باشند بی غرض همدیگر را درک کرده و معتقد باشند که همکاری و همفکری هر دو برای کمک به کودک مؤثر است و برای تامین این منظور آماده‌شده و از انجام هیچ کاری مضایقه‌نمایند.

والدین چگونه حس میکنند: قضاوت و احساسات والدین در موقع ملاقات با معلمین متفاوت است بعضی از آنها واقعا" شرکت در جلسات با معلمین را استقبال میکنند و امیدوارند باین وسیله بچه خود را بهتر بشناسند و کمک کنند. ولی متأسفانه همه این طور نیستند. بعضی پدر و مادرها اصولاً باین مسائل توجه کافی نداشته و میل دارند بچه آنها همیشه مورد تحسین قرارگیرد و در غیر اینصورت فکر میکنند معلم رعایت حق و عدالت را ننموده است. بعضی‌ها بعلت اینکه در کودکی معلم خود-مختاری داشته و از این جهت عقده دارند وجود معلم را مرکز قدرت می‌بینند و می‌خواهند از او انتقام بکشند، اینست که

با او ضدیت میکنند.

مثلاً پدر و مادری را برای کنفرانس به مدرسه دعوت کردند وی چون کاری داشت نمی‌خواست در آن جلسه شرکت کند، باصرار مدرسه اجباراً قبول کرد، ولی شب به خانمش گفت اینها خیال میکنند ما باید حرف آنها را گوش کنیم چون بچه ما زیر دست آنهاست و با چنین روحیه‌ای به جلسه آمده بود. وقتی معلم رفتار پسرشان را توضیح داد یکمرتبه پدرش ناراحت شد و در مقابل مقداری از معلم و کارهای او تنقید کرد. رئیس مدرسه با ملایمت توضیح داد که ما فقط برای بهبود و تربیت بچه شما زحمت میکشیم و هدف ما رفع مشکلاتی است که پیش می‌آید آنگاه او قول داد کمک کند، ولی باز هم در هفته بعد پسرش را برای گردش بخارج شهر برد و بمدرسه نوشت یکنفر در فامیل مرده و ما همه باید در تشییع او شرکت کنیم.

اینها نظایر زیادی دارد باز هستند والدینی که بمدرسه می‌آیند و ظاهراً مطالب را قبول میکنند، ولی عقیده ندارند و فقط این کار را میکنند که یا جز و پدر و مادرهای فهمیده تلقی شوند یا دهن مدرسه را ببندند.

اغلب پدر و مادرها معلم و مدرسه را وسیله‌ای میدانند که بچه آنها را نگهدارند تا مزاحم آنها نشوند. در هرصورت باید دانست که برای تربیت صحیح کودکان

احتیاج به همکاری والدین و معلمین و مدرسه است تا آنکه از نظر روانی تا مین سلامت کودکان بهتر امکان پذیر شود.

روش مصاحبه: در جلساتی که معلمین و والدین شرکت و باهم ملاقات می کنند اصولاً بحث و گفتگوها در اطراف مشکلاتی است که برای کودکان پیش می آید. اگر در این جلسات برنامه مصاحبه خوب انجام نشود خطر آن است که دیگر از پدر و مادرها سلب اعتماد کنند و کمکی انجام ندهند.

ایجاد تفاهم: وقتی مصاحبه و جلسهای به نتیجه میرسد که طرفین همدیگر را درک کنند و تفاهم داشته باشند. دعوا، جدال و مباحثه، مصاحبه نیست، اگر معلم و والدین فقط منظورشان این باشد که نظرات خود را بر یکدیگر تحمیل کنند بهیچ نتیجهای نخواهند رسید.

معلم در سطح این مصاحبه نقش مهمی دارد. در مصاحبه انسان باید کاری کند که طرف خود را تحقیر شده حس نکند و تصور ننماید که مطلبی را میخواهند باو تحمیل کنند در این نوع جلسات هم باید سعی کرد که بحث در محیط موافق و آرامی انجام گیرد.

معلم باید والدین را بشناسد و بفهمد که چطور باید با آنها وارد بحث شود. بطوریکه حس مخالفت آنها را برنینگیزد. باید فرصت حرف زدن به آنها داد، چون

علاوه بر اینکه این کار باعث اطمینان خاطرشان میشود. هرچه بیشتر از مشکلات خود حرف بزنند بهتر میتوان آنها را شناخت و به ریشه مشکل کودک پی برد. البته منظور این نیست که معلم هیچ نقشی نداشته و فقط مستمع باشد.

بعضی از پدر و مادرها قدرت بیان ندارند و یا سوادشان کافی نیست تا آنچه که میخواهند بیان کنند. در این موارد معلم باید این عجز را جبران کند، یعنی سعی کند مطلبی را که آنها میخواهند بگویند بفهمد و در بیان مطلب به آنان کمک کند بدون آنکه عجله ای نشان دهد یا قیافه ای بگیرد که مطلب را میدانند یا فهمیده است. گاهی والدین از لحاظ وضع اقتصادی یا اجتماعی در سطحی هستند که خود را کوچک حس میکنند و معلم و مدرسه را مقام بالاتری میدانند و در ظاهر تسلیم هستند. اینجاست که معلم باید سعی کند که خود را به آنها نزدیک کند و دوست نشان دهد و ثابت نماید که تمام مشکلات آنها را درک میکند و از هیچ چیز حتی از معتقدات غیر منطقی آنها تعجب نکند تا بتواند تفاهم بیشتری برقرار کرده و به نتیجه برسد. تنها ایجاد تفاهم است که موجب میشود والدین بمعلم اعتقاد پیدا کنند و از او یاد بگیرند که چطور کمک نمایند.

احترام به جلسات خصوصی: تمام

پاسخگو



همچنین در صورت مشترک شدن معلمان
منطقه‌تان مجله‌برای‌ایشان ارسال خواهد شد.
گزارش عملکرد انجمنهای مدارس را نیز
می‌توانید به آدرس انجمن مرکزی اولیاء
ومربیان جمهوری اسلامی ایران بخش امور
انجمنها ارسال دارید تا در ویژه‌نامه چاپ
گردد.

پیروز باشید



برادر محترم اوپنگ آگاهی
سلام علیکم،

نامه شما را که با خط زیباییتان نگارش یافته
بود دریافت داشتیم. نویسنده سطور
زیبای پیوند نیز برادریزدانی میباشد. از
حسن نظر جنابعالی سپاسگزاریم. نکته‌ای
را که در زمینه طراحی بدان اشاره داشتید
با طراح مجله در میان گذاشتیم.

برادر گرانقدر ط‌صابر تهران

با سلام و ابراز سپاس از نامه‌ای که ارسال
داشتماید، پیشنهادات جنابعالی در هیئت
تحریریه مطرح گردید.

امیدواریم باز هم نظرات خود را با ما در
میان نهد.
ویژه‌نامه شماره ۴ نیز هنوز انتشار نیافتده
است.

توفیق یارتان



برادرگرامی علی اصغر کاظمی حاتمی

رودبار زیتون

ضمن سلام از نامه‌ای که برایمان ارسال
داشتماید تشکریم. برای برندگان مسابقه
ایدئولوژی جوایزی در نظر گرفته شده‌است که
برایشان فرستاده میشود. در ضمن میتوانید
بامراجعه به کتابخانه‌های عمومی با کتب و
نشریات تربیتی منطبق با اصول و موازین
اسلامی آشنا شوید.

امیدواریم با ارائه نظرات خود ما را در بهبود کیفی پیوند یاری فرمائید .

خدایار تان



برادر محترم عظیم فدائی یکتا- رشت
باسلام توجه جنابعالی را به نکات زیر
جلب می نمائیم : ۱- تاریخ مجله مشخص است
۲- هدف اصلی از طرح سئوالات ایدئولوژی
ایجاد انگیزه تحقیق در زمینه ایدئولوژی
اسلامی است و منابع مختلفی میتواند مورد
استفاده قرارگیرد .

۳- رسانه‌های گروهی در زمان جنگ در
خدمت مسائل مربوط به آن میباشد .
انشاءالله پس از پیروزی حق بر باطل ، طی
برنامه ریزی‌هایی به مسائل انجمنهای
اولیاء و مربیان نیز پرداخته خواهد شد .
همچنین یکی از اهداف بنیادین مجله
پیوند نیز برقراری ارتباط شکوفا و نمربخش

میان نهادهای خانواده و مدرسه میباشد .
۴- در مورد نحوه دریافت شماره‌های قبلی
پیوند با قسمت توزیع مجله به آدرس انجمن
مرکزی اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی
ایران مکاتبه فرمائید . موفق باشید



برادر گرانقدر آقای محسن متولی - تهران
سلام علیکم ،

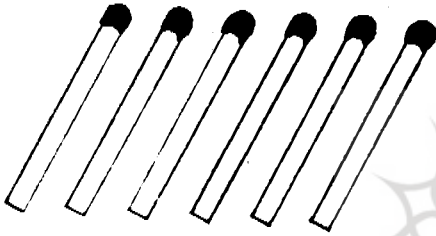
ضمن سپاس از نامه‌ای که برایمان ارسال
داشته اید ، یاد آور میشود همچنان که روند
کلی مقالات نشریه پیوند گویای آنست .
هدف از انتشار این مجله گسترش و تبیین هر
چه رساتر اصول تعلیم و تربیت اسلامی
است . انشاءالله با یاری خداوند و همفکری
اولیاء و مربیان متعهد هرچه مؤثرتر در این
طریق گام برداریم .

موفق باشید

سالگردتسخیرلانه جاسوسی امریکا که بحق
انقلاب دوم امت مسلمان ایران است بر
مستضعفین جهان مبارک باد .

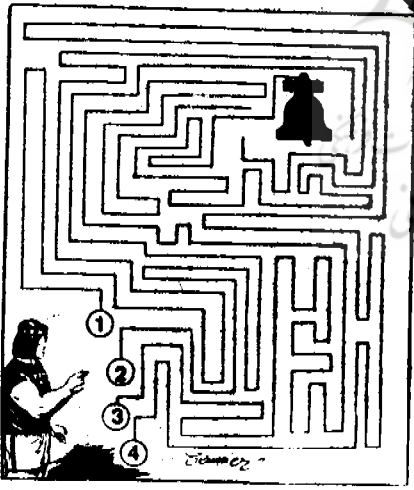


باشش چوب کبریت
 چوب کبریت وسیله‌ای برای طرح معماهای
 ریاضی است. به این مسأله‌ی چوب
 کبریتها فکر کنید: آیا شما میتوانید در
 نیم دقیقه با شش چوب کبریت شش مثلث
 متساوی الاضلاع مساوی یکدیگر و همچنین
 یک شش ضلعی منظم احاطه شده با
 مثلث ها بسازید. اما برای این کار لازم
 نیست حتما از چوب کبریت استفاده کنید
 بلکه با رسم خطوط هم می‌توانید این کار
 را انجام دهید.



پوشگاه علوم انسانی و مطالعات
 کتابخانه علوم انسانی

سرعت دوچرخه سواران
 نزدیک حاده گرهستانی دوچرخه سواران نصف
 راه را که تقریباً اقی بود با سرعت ۱۲
 کیلومتر پیچود ولی با سرعت ۴ کیلومتر طی کرد.
 سرعتهای متوسط دوچرخه سواران را بیابید یعنی
 تمام راه را با چه سرعتی حرکت کند تا در
 همان مدت به مقصد برسد؟



کدام شستی؟

کدام شستی رنگ را بصدا در می‌آورد؟

افقی :

- ۱- امید بی‌پناهان جهان . محرک گوینده
- ۲- مهربوسفقت . عددی که نه اول است و نه مرکب . ناحق و بیهوده
- ۳- آداب و رسوم . یکی از امامان . رنج و اندوه
- ۴- زبان ساز . هنوز گاونشده است .
- ۵- پوست . دودمان
- ۶- پادشاه یک دسته ورزشکار . مرض مخصوص درندگان که گاهی بعضی انسانها هم اینطور می‌شوند .
- ۷- درختی پرشاخ و برگ و چتری همسر ماده
- ۸- از حروف لاتین . روستا
- ۹- همسایه . شاهد و گواه . از باغهای معروف
- ۱۰- کج و خمیده . او . علامات و نشان ها
- ۱۲- شهیدی معلم و مکتبی . مسئول مستقیم دولت جمهوری اسلامی .

عمودی :

- ۱- شادمان . طاغوت زمان سیدجمال‌الدین
- ۲- رنج . ساری . خجستگی . روان . تظاهر به نیکی
- ۴- یادداشت . با آنکه این اسم عربی است ولی فارسی آن معروف است
- ۶- علامت نفی
- ۷- دریا . آشکار کننده تکرار حرف آخر
- ۹- دشنام دادن نخست وزیر شهید اسلامی . نفی که غایب است
- ۱۰- طاق و توانائی . شهری در فارس . یکی از عشاق معروف
- ۱۱- مقصد این یکی برعکس شده است
- ۱۲- آنچه انسان به آن دل بستگی دارد . یک ملت بود برای این ملت .

	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱					■	■	■					
۲					■			■				
۳				■					■			
۴			■		■		■			■		
۵		■			■		■				■	
۶	■				■		■	■	■			■
۷		■			■		■				■	
۸			■		■		■	■		■		
۹				■					■			
۱۰					■			■				
۱۱					■	■	■					

کدام وزنه‌ها؟

پنج وزنه عبارتند از : ۱ و ۳ و ۹ و ۲۷ و ۸۱ گرمی

جواب سرگمیهای شماره قبل

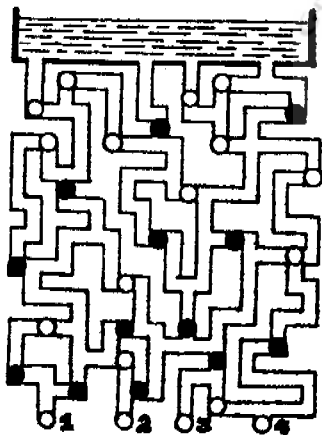
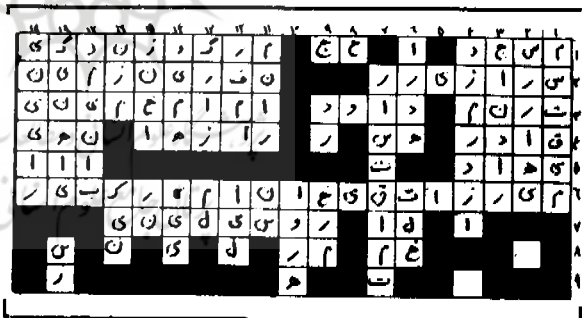
دانشمند در کنار دریا

تمام مدت را ۱ در نظر می‌گیریم . نصف آن مساوی یک دوم است و نصف باقیمانده یک چهارم خواهد بود که آن دو را با یک پنجم جمع می‌کنیم مساوی نوزده بیستم میشود و فقط یک بیستم باقی می‌ماند که برابر یک ربع ساعت است . پس او بیست ربع ساعت یعنی ۵ ساعت در کنار دریا بوده که دو نیم ساعت مطالعه کرده ، و یک ساعت و ربع روزنامه خوانده و یک ساعت آب تنی کرده و یک ربع ساعت مشغول غذا خوردن بوده است .

تعداد سیبها

در یکی از سبدها ۲۵ سیب و در دیگری ۲۳ و بالاخره در سومی ۲۱ سیب قرار داده شده بود .

چند گاو و گوساله
تعداد کل گاوها و گوساله‌ها عبارتند از : سال اول ۲ سال دوم ۳ سال سوم ۴ سال چهارم ۶ سال پنجم ۹ سال ششم ۱۳ سال هفتم ۱۹ سال هشتم ۲۸ سال نهم ۴۱ سال دهم ۶۰ سال یازدهم ۸۸ سال دوازدهم ۱۲۹ سال سیزدهم ۱۸۹ سال چهاردهم ۲۷۷ سال پانزدهم ۴۰۶ سال شانزدهم ۵۹۵ سال هفدهم ۸۷۲ سال هیجدهم ۱۲۷۸ سال نوزدهم ۱۸۷۳ سال بیستم ۲۷۴۵ مطلب جالب اینکه از ابتدای سال چهارم به بعد تعداد گاوها و گوساله‌ها در هر سال برابر است با مجموع گاوها و گوساله‌های سال پیش و سه سال قبل . بنابراین میتوان این اعداد را مرتباً ادامه داد .



در این لوله‌کشی عجیب و غیر عادی شیر فلکه کلا با دایره‌ها مشخص شده‌اند . به این ترتیب که دایره‌های سفید کلا به جای شیرهای بسته به کار رفته‌اند . با توجه به این علامات میتوانید بگویید از کدام شیر ، آب پائین می‌ریزد؟ آن کدام است؟

بقیه از صفحه ۴۹



مسائلی که در جلسه ۶ معلمین و والدین بحث میشود باید کاملاً "محرمانه" باشد و والدین هم این مسئله را بدانند .

معلم و والدین نباید نقاط ضعف بچه را برخ او بکشند . مثلاً "مادری شکایت میکند دخترش دیر میخواند معلم در مواقعی که میخواهد او را سرزنش کند که چرا درس نخوانده حق ندارد متذکر شود که چون دیر میخواند درس یاد نمیگیرد . مگر آنکه از خود شاگرد این نکته را دریافت کرده او را راهنمایی نماید .

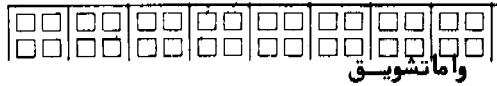
اگر والدین مطمئن باشند که این جلسات محرمانه است و مطالب مخفی میماند خیلی راحت تر و مطمئن تر کمک خواهند کرد و مشکلات خود را بیان خواهند کرد .

جلسه بحث نباید بهیچ عنوان در حضور شخص ثالثی بخصوص شاگرد انجام گیرد ، زیرا هیچ یک از والدین برای گفتن علل و نقاط ضعف کودک در حضور شخص دیگری و یا خود او آمادگی ندارند .

اگر کودکی بفهمد که پدر و مادرش تمام نقاط ضعف او را بدیگری گفته ، اعتمادش از او سلب میشود و دیگر حرف خود را باو نخواهد زد و این مسئله از لحاظ بهداشت روانی بسیار مهم است . بنابراین در حضور بچه هیچ وقت نباید مشکلات مربوط باو را مورد بحث قرارداد .

ملاقات با والدین در خانه : این مسئله در همه مجامع معمول نیست ، ولی بسیار خوب است اگر معلم فرصت و موقعیت آنرا داشته باشد که بخانه بچهها برود و محیطی که او درآن بزرگ شده از نزدیک ببیند . اغلب پدر و مادرها از این کار استقبال نمیکند و یا معلم را بصورت میهمان میپذیرند ، البته در اینمورد معلم باید با بصیرت و زیرکی به هدف خود برسد . چه خوب است اگر معلم بتواند بصورت یک دوست فامیلی در خانواده ظاهر شود و معاشرت کند البته بازدید معلم از خانه یا دیدن خانواده شاگردان بهیچ عنوان نباید جنبه بازرسی داشته باشد .

خدایا ، عاشورای حسینی سالروز قیام و شهادت مولانا حسین بن علی (ع) را برای ما سرمشق قرارده و عزت و شرف ادامه راهش را به ما عنایت بفرما .



در تنبیه باید دقت و جستجو و علت یابی شود اگر شرایط مساعدی فراهم بوده و کودک "عالما" عامداً از آن شرایط

مساعد استفاده نکرده در این صورت مستوجب تنبیه است و تشویق منحصراً باید بخاطر اعمال ممتاز انجام گیرد.

۵- تنبیه یا تشویق نباید بخاطر مقایسه کودک با کودک دیگری باشد از آنجا که هرفردی استعداد و توانائیهای خاص خویش را دارد بنابراین در تنبیه و تشویق بایستی تفاوتهای فردی را ملحوظ کرد.

۶- فردی که توان کاری را ندارد نباید هرگز برای آن کار تنبیه شود.

۷- اکثر علمای تعلیم و تربیت تنبیه را مطابق نظریه شهیددانی جایز می‌شمارند.

۸- در هر صورت نصیحت، سرزنش، نكوهش و باهرونوع تنبیهی نباید بر ملا باشد. مگر در مواردی که هدف از تنبیه و مجازات باز داشتن افراد جامعه از آن نوع جرم باشد.

که خداهم در مورد زانی و زانیه می‌گوید: "و باید در عذابشان طایفای از مومنین گواه باشند سوره نور ۲"

۹- تنبیه شدیدتر از جرم نباشد و حتی الامکان با جرم تجانس داشته و

۱- تشویق موجبات سرعت در کارهای بدنی فراهم می‌نماید و در کارهای فکری موجب سعی و کوشش بیشتری می‌گردد.

۲- تشویق درست و بجا در کودک سپاسگزاری و محبت ایجاد نموده و او را به زندگی امیدوار و باعث تشجیع او در کارها می‌شود.

شرایط و انواع تنبیه و تشویق:

۱- نایک‌سالگی بهیچوجه تنبیه جایز نیست و اثری هم بجزرنجش و ناراحتی کودک ندارد.

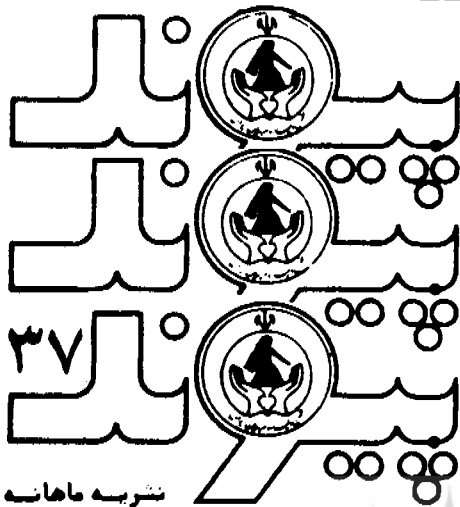
۲- تا سه سالگی تنبیه می‌تواند بصورت یک نگاه تند، خطاب شدید، راندن و دور کردن موقتی کودک و حداکثر یک ضربه خیلی ملایم بر پشت دست و یا پای او باشد.

۳- تنبیه و تشویق بایستی گاه گاه بعمل آید نه بطور مداوم که در آن صورت در تنبیه موجبات مازوشیسمی و در تشویق جنبه رشوه دادن پیدامی‌کند.

۴- تنبیه و یا تشویق باید بخاطر عمل کودک انجام گیرد نه بخاطر خود او و

۱۳۶۱

آبان



انجمن اولیاء و مربیان ایران

وابسته به آموزش و پرورش

نشانی: تهران - خیابان انقلاب

خیابان فلسطين جنوبی

کوی مساق - شماره ۱/۲۴

۶۴۷۱۱۶

تلفن:

۶۴۳۶۲۵

۶۱/۱۲۵۵

سندوق پستی

آبان ماه ۱۳۶۱

شماره مسلسل ۱۵۱

طرح و تنظیم: هوشنگ موفق اردستانی

نک شماره ۳۰ ریال - سالیانه ۳۰۰ ریال

منعاصیان میتوانند وجه آبونمان را به

حساب ۱۷۱۷ بانک ملی نعمة مهر واریز و

نشر آنرا به انجمن ارسال دارند.

مناسب باشد تا موجبات دفاع، تمرد
طنیان، سر خوردگی و انزوای امثال
آن نگردد. و همچنین در تشویق
نوع تشویق متناسب با عمل ممتاز کودک باشد
تا موجبات غرور و خودپسندی نشود.

۱۱- بعد از تنبیه، جرم بایستی فراموش
شده و دیگر تعقیب نگردد و به هیچ وجه
نباید خطائی را که بخاطرش تنبیه شده
به رخش بکشیم.

۱۲- در تمام مراحل تنبیه مربی باید
قصدش اخلاص بکودک و اصلاح او باشد
و خدا را در نظر گیرد و این مراتب خلوص
اصلاح و رضایت باری تعالی را بکودک
و انمود نماید. تنبیه و تشویق محرکهای
قوی هستند و هم عمل را تشدید می کنند
و هم جهت رفتار را مشخص می کنند
بنابراین مانند تیغی دولب هستند که اگر
درست بکار گرفته نشوند زبان بار خواهند
بود.

۱۴- در موردیکه کودک به گناه خویش
اعتراف و اظهارندامت نماید باید از
تنبیه او صرف نظر کرد و یا تخفیفی برای
او در نظر گرفت. همچنین وقتی کسی را
راشعیه قرار میدهند بخصوص برای اولین
دفعه باید شفاعت را پذیرفت و از آن
موقعیت در اصلاح او حداکثر استفاده
نمود.